

تحلیل سازمان فضایی فعالیت‌ها در استان گیلان

عیسی پوررمضان* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، گروه جغرافیا، رشت، ایران
رضا مهدوی - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد،
نجف‌آباد، ایران

پذیرش نهایی: ۹۱/۹/۲۵

دریافت مقاله: ۸۸/۶/۴

چکیده

سازمان فضایی استان گیلان، ترتیب و توزیع نظام یافته واحدها و فعالیت‌ها در فضا برای عملکردهای عموم مجموعه است. این مقاله که با هدف تحلیل سازمان فضایی فعالیت‌ها در استان گیلان تهیه شده، از لحاظ هدف بنیادی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد، سازمان فضایی ناحیه جلگه‌ای گیلان که حول محور فعالیت‌های نظام یافته در پیکره استان شکل گرفته، نسبت به نواحی کوهپایه‌ای و کوهستانی که شامل ناحیه جنگلی و نوار مرتعی می‌باشد، دارای موقعیت ممتازتری بوده و در زمره فضاهای نسبتاً توسعه یافته در استان محسوب می‌شود. با توجه به این نوع سازمان فضایی، توزیع امکانات و فعالیت‌ها و پراکندگی تسهیلات و نحوه میزان دسترسی به خدمات به صورت نسبتاً بهینه در سطح ناحیه جلگه‌ای استان صورت گرفته است. استفاده از فضا در وضع موجود تا حدی بیانگر قابلیت‌ها و توان‌های محیطی آن است. اما گاه عدم شناسایی دقیق پتانسیل‌های محیطی و گاه اقتضای ضرورت‌ها موجب می‌شود که بهره‌گیری از برخی فضاها متناسب با قابلیت‌های بالقوه نباشد. از این رو در مطالعات آمایشی تحلیل سازمان فضایی استان، مقوله کاربری و تخصیص فضا از اهمیت خاصی برخوردار است. استقرار صنایع در استان گیلان از توزیع فضایی نامتعادل برخوردار می‌باشد. با توجه به گرایش‌های کنونی در ایجاد شهرک‌های صنعتی در نواحی صنعتی روستایی در سطح شهرستان‌های استان می‌توان گفت، استقرار صنایع در سطح نواحی استان از توزیع فضایی عادلانه‌تری نسبت به گذشته برخوردار بوده است. همچنین کانون‌های فعالیت‌های خدماتی استان در نقاط شهری آن قرار دارد، بنابراین خدمات، به فراخور سطح شهرها در نظام سلسله مراتب عملکردی آن تفاوت خواهد داشت.

واژگان کلیدی: فضا، سازمان فضایی، سازمان فضایی فعالیت‌ها، استان گیلان.

۱. مقدمه

از عمر نظام برنامه‌ریزی در ایران که براساس برنامه‌ریزی بخشی پایه‌ریزی شده است، حدود شش دهه می‌گذرد. نگرش بخشی به توسعه، به ویژه در چند دهه نخستین برقراری نظام برنامه‌ریزی توسعه در کشور، متأثر از دیدگاه‌های مطرح در جهان بوده است (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۳: ۲۱۲). اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی متکی بر رویکرد بخشی در ایران نیز مانند دیگر کشورهای جهان، منجر به عدم تعادل‌های منطقه‌ای، حاشیه‌ای شدن برخی مناطق، از دست دادن منابع و توان‌های منطقه‌ای و نابرابری‌های سرزمینی شده است. بررسی وضعیت کنونی کشور بیانگر آن است که تمرکز گرایی و غلبه رویکرد بخشی در برنامه‌ریزی‌ها روند توسعه کشور را دچار اختلال کرده است.

بر خلاف رویکرد بخشی، آمایش سرزمین^۱ با رویکرد همه جانبه در چارچوب توسعه فضایی، سعی دارد با پدیده عدم تعادل‌های منطقه‌ای برخورد کرده و راه کارهای مناسب را برای تحقق توسعه متوازن، همه جانبه و پایدار در سطح سرزمین، ارائه نماید. حرکت کشورهای در حال توسعه در مسیر توسعه پایدار، مستلزم توجه به سطوح منطقه‌ای و محلی در برنامه‌ریزی توسعه است که در چارچوب نظام برنامه‌ریزی بخشی، به دلیل تمرکزگرایی، دستیابی به آن امکانپذیر نیست (مرکز ملی آمایش سرزمین، ۱۳۸۵: ۳). در پی احساس چنین نیازهایی در فرآیند توسعه پایدار و همه جانبه کشورهای جهان و از جمله ایران، مفاهیم، دیدگاه‌های نظری و روش‌های برنامه‌ریزی به تدریج متحول شده است تا ضمن پاسخ‌گویی به موضوعات جدید مرتبط با توسعه، پاسخ‌گوی نیازهای برنامه‌ریزی در سطوح منطقه‌ای و محلی از یک سو و سطوح فعالیت‌های از سوی دیگر باشد. برنامه‌ریزی فعالیت و سکونت در پهنه سرزمین در ابعاد گوناگون ملی، منطقه‌ای و محلی و در زمینه‌های گوناگون فعالیت و با رویکردهای جامع‌نگر، پایداری و استفاده از علوم و فنون جدید در برنامه‌ریزی توسعه و به منظور تحقق اهداف نوین توسعه، در سال‌های اخیر در جهان رواج یافته است. مطالعه تجربه کشورهای مختلف جهان در رابطه با آمایش سرزمین در سطوح مختلف، درس‌های ارزشمندی از نظر ضرورت توجه به ابعاد گوناگون اجتماعی، قومی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برنامه‌ریزی به ما می‌آموزد (مخدوم، ۱۳۷۴: ۹).

مطالعه دیدگاه‌های نظری مؤخر در این زمینه، ضرورت تعمق در اندیشه‌های توسعه براساس اصول پایداری، حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی، تکیه برنامه‌های توسعه منطقه‌ای و آمایش سرزمین بر منابع انسانی، سرمایه‌های اجتماعی، دانش بومی و توسعه درونزا همزمان با تحکیم ارتباطات با جهان و ایجاد پیوندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوب تعامل جهانی، را بیش از پیش مطرح می‌سازد. انتظار می‌رود، سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان، متفکران و کلیه دست‌اندرکاران توسعه استان‌ها در تعامل سازنده با یکدیگر، بتوانند در چارچوب توسعه ملی و برنامه آمایش سرزمین، برنامه آمایش استان‌های کشور را متناسب با شرایط و ظرفیت‌های توسعه هر استان تدوین و اجرا نمایند. تعامل مستمر میان دست‌اندرکاران تدوین و اجرای برنامه‌های آمایش استانی با مرکز ملی آمایش سرزمین می‌تواند در حل به موقع مشکلات و رفع موانع موجود بر سر راه توسعه استان مؤثر باشد. سازمان فضایی موجود استان با توجه به تراکم نسبی جمعیت گیلان، چهار برابر کشور

بوده و این در حالی است که نیمی از خاک استان نیز کوهستانی می‌باشد و به همین دلیل جمعیت فعلی با تراکم مضاعف بیشتر در بخش جلگه‌ای آن استقرار یافته است و جمعیت محدودی در مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی زندگی می‌کنند که این جمعیت محدود ساکن در این مناطق نیز به دلیل استفاده بی‌رویه از منابع جنگل و مرتع خسارت‌های جبران‌ناپذیری به عرصه‌های طبیعی استان وارد نموده‌اند (مهدوی، ۱۳۸۴: ۴). در این مقاله که سازمان فضایی فعالیت‌ها در استان گیلان بر اساس آخرین آمار و اطلاعات، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، ملاحظات اساسی تحلیل سازمان فضایی فعالیت‌ها، تحلیل سازمان فضایی بخش‌های اصلی (کشاورزی، صنعت، خدمات) و بین بخشی که هر کدام از آنها به نحوی در شکل‌دهی سازمان فضایی استان نقش دارند، بیان شده است. هدف از ارائه این مقاله، دستیابی به سندی است که سازمان فضایی منسجم، اثربخش، مبتنی بر کسب و بکارگیری روش‌های اجرایی را برای دستیابی به توسعه پایدار در چارچوب توسعه ملی مبتنی بر اصول مصوب آمایش سرزمین در زمینه‌های مختلف نمایان کند.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

مفهوم فضا در ابعاد وسیع و جامع خود، تجلی‌گاه رابطه میان تمام فعالیت‌های انسانی است. این فعالیت‌ها هر کدام به گونه‌ای متفاوت از دیگری، اثرات خود را بر جای نهاده و چشم‌اندازهای گوناگونی را به وجود آورده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۱: ۴۶). هر فضای جغرافیایی، فضایی سازمان یافتگی با عواملی بسیار ارتباط می‌باید که پاره‌ای از آنها به محیط طبیعی پیوند می‌خورند و پاره‌های دیگر به نیازها و تمایلات اجتماعات انسانی (دولفوس، ۱۳۷۴: ۱۵۵). سازمان فضایی زیست‌گاه‌های انسانی، شهری و ناحیه‌ای، نتیجه مستقیم فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نهادی می‌باشد. در واقع این فرآیندها، عملکردی در فضا دارند اما فی‌نفسه فرآیندهای فضایی نیستند. از طرفی، عملکردهای محض سیاست‌های ساختاری، بدون فقدان دورنمای فضایی، به مسائل مهم تبعی می‌انجامد (شکوئی، ۱۳۸۱: ۱۱۹). سازمان فضایی شامل ترتیب و توزیع نظام یافته واحدهای یک مجموعه در فضا، در راستای عملکردهای عمومی مجموعه است و دارای اجزا و عناصر زیر است:

- نقاط یا گره‌گاه‌ها مانند: روستاها، شهرک‌ها، نواحی روستایی و ...
 - شبکه‌ها مانند: راه‌ها، جاده‌ها، کانال‌ها، خطوط انتقال نیرو و ...
 - لکه‌ها یا سطوح مانند: اراضی زیر کشت، جنگل‌ها، بیابان‌ها، دریاها و ... (زیاری، ۱۳۸۰: ۳۶).
- چارچوب نظری سازمان فضایی، مشتمل بر تئوری‌های مختلفی است که به الگوی ارتباط فضایی، همچنین سهم مکان در فرآیند شکل‌گیری ارتباطات و رشد و توسعه اقتصادی می‌پردازد. بخش عمده‌ای از این نظریه‌ها، چگونگی ارتباط بهینه میان عوامل و الگوی استقرار مطلوب فضایی را توضیح می‌دهد و هدف آنها ایجاد سازمان فضایی منظم با کارکرد مطلوب و به لحاظ اقتصادی دارای کمترین هزینه ممکن است. در میان نظریه‌های سازمان فضایی، نظریه اقتصاد فضایی به ویژه اقتصاد کشاورزی فون تونن^۱ (۱۸۲۶)، نظریه مکان‌صنعتی آلفرد وبر^۲ (۱۹۰۹)، نظریه مکان‌گزینی گالپین^۳

1. Von Thunen
2. Alfred Weber
3. Galpin

(۱۹۲۱)، نظریه مکان مرکزی والتر کریستالر^۱ (۱۹۳۲) و اگوست لوش^۲ (۱۹۴۰) از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند. نظریه فون تانن (۱۸۲۶) اقتصاددان آلمانی در رابطه با توزیع فعالیت‌های اقتصادی است (پاپلی یزدی و همکار، ۱۳۸۲: ۱۸۱). او در واقع مدلی اصولی و قیاسی در توجیه کاربری زمین‌های کشاورزی و با استفاده از تحلیل‌های اقتصادی ارائه نمود. جنبه‌های فاصله، رقابت و بهره‌موقعیتی، مهمترین عوامل بنیادی در تجزیه و تحلیل وی محسوب می‌شوند. مهمترین مشارکت فون تونن در مطالعات سازمان فضایی، استفاده از اصل بالاترین و بهترین بهره‌مندی و مفهوم نظری بهره‌موقعیتی می‌باشد. در این نظریه هدف اساسی، سازمان فضایی پیرامون شهر مرکزی است که بر اساس نوع کالا و هزینه حمل و نقل تغییر می‌یابد (بهفروز، ۱۳۷۸: ۲۴). بر این اساس نظریه وی مبتنی بر ایجاد رابطه میان یک بازار شهری و فضای کشاورزی پیرامونی آن است (شبلینگ، ۱۳۷۷: ۵۲).

نظریه مکان صنعتی آلفرد وبر (۱۹۰۹) بر نحوه مکان‌گزینی صنایع در فضا تأکید دارد. پایه و اساس این نظریه، حداقل کردن هزینه‌ها با در نظر گرفتن عوامل حمل‌ونقل، نیروی کار و تجمع‌گرایی صنعتی است (تولایی، ۱۳۷۵: ۷۳). در واقع وبر دو تصور اصولی و قیاسی شامل هزینه‌های حمل و نقل و عامل فاصله و مدیریت آن تکیه دارد. مدل مثلث وزنی ارائه شده توسط وبر شامل مکان‌یابی کارخانه، طرز قرارگیری مکان فضایی مواد خام نسبت به بازار و رعایت کمترین هزینه مربوطه می‌باشد (بهفروز، ۱۳۷۸: ۲۵). گالپین (۱۹۲۱) نظریه مکان مرکزی خود را از دیدگاه سکونتگاه‌های روستایی تجزیه و تحلیل کرده است و بدین طریق سلسله مراتب کارکردی مکان‌ها را به صورت تجربی به دست آورد. وی بر اساس یافته‌های خود نقشه‌هایی را ترسیم کرد که دامنه مکانی کالاها و خدمات در ارتباط با یک مکان ویژه‌ای معین شده بود. همچنین نواحی دادوستد با یکدیگر تداخل نداشتند و برخی از آنها که دارای کارکرد بیشتری بودند، بزرگتر از مکان‌های دیگر ترسیم شده بود. فضاهای خالی میان مکان‌ها نیز نشانگر نقاطی بودند که فاقد تسهیلات و کالا بودند (رضوانی، ۱۳۸۱: ۶۵).

از دیگر نظریه‌های سازمان فضایی که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، نظریه مکان مرکزی والتر کریستالر (۱۹۳۲) است. بر اساس این نظریه نقطه یا مکان مرکزی به مکانی گفته می‌شود که کالا و خدمات را در اختیار نواحی فراتر از حول و حوش خود قرار می‌دهد و از این نظر برای مناطق متعددی مرکزیت دارد و منبع مایحتاج آنها به حساب می‌آید. در واقع این نظریه در جهت پاسخ‌گویی به علت توزیع فضایی شهرها و اندازه سلسله مراتب بین آنها طرح‌ریزی شده است و مرکزیت یک مکان با افزایش و کاهش سرویس‌دهی آن مکان، افزایش و کاهش می‌یابد (پاپلی‌یزدی و همکار، ۱۳۸۲: ۱۸۵). نظریه مکان مرکزی براساس موقع نسبی مکان‌های مرکزی (شهر و روستا) نسبت به یکدیگر بنیاد شده است. در واقع موقع نسبی هر مکان مرکزی تحت تأثیر یک فضای رقابتی اقتصادی و اجتماعی موجود در بین مکان‌های مرکزی ناحیه جغرافیایی قرار دارد (بهفروز، ۱۳۶۴: ۲۰). نظریه لوش (۱۹۴۰) بر نظریه بدیع و اصیل و سازمان یافته اقتصادی بنیان شده و بر این اساس سعی نموده که یک سیستم عادلانه عمومی مراکز تولید و نواحی بازاری را در یک فضای جغرافیایی مطلق مجسم سازد. وی مانند کریستالر در مورد مفاهیم نظری دامنه، حد نصاب جمعیتی و سلسله

1. Walter Christaller

2. August Losch

مراتب در توجیه یک فضای مکان‌های مرکزی موافقت داشت. اما سیستم لوش برای درک توزیع فعالیت‌های کارخانه‌های جهت‌یابی شده بازاری تدوین شده بود (بهمفروز، ۱۳۷۸: ۲۶).

۳. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به عنوان و موضوع آن از لحاظ هدف بنیادی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی می‌باشد. شیوه جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از طریق روش اسنادی و با استفاده از تحلیل محتوا است. در این روش از دو دسته روش‌های تحلیلی (روش‌هایی که با تبیین و عینیت به درک، از کارکرد و ساختار و روند نظام فعالیت‌های منطقه یاری می‌رساند) و روش‌های فرآیندی (روش‌هایی که به تصمیم‌گیری در انتخاب از بین گزینه‌های مطروحه توسط روش‌های گروه اول یاری می‌رساند و در نتیجه امکان توافق همگانی را بوجود می‌آورد) و با یک نگرش سیستمی استفاده شده است. در این مقاله که برگرفته از نتایج مطالعات آمایش سرزمین استان گیلان است و خود نگارنده‌گان نیز در تهیه و تدوین آن نقش داشته‌اند، سعی شده تحلیلی از همه فعالیت‌ها در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات در پیکره فضای جغرافیایی این استان ارائه شود. نتایج مطالعات گسترده تحلیلی از اجزای سازمان فضایی استان گیلان به صورت بخش و بین بخشی به چنین یافته‌هایی که در این مقاله مشاهده می‌شود رسیده است.

۴. یافته‌ها

۴-۱. اجزای سازمان فضایی فعالیت‌ها

سازمان فضایی بخش سندی تصویری شامل کلیه داده‌های مکانی است، که هر کدام از آنها به نحوی در شکل‌دهی سازمان فضایی بخش‌ها دارای نقش هستند. جدول (۱) اجزای سازمان فضایی استان گیلان را به تفکیک فعالیت‌های کشاورزی، صنعت و خدمات نشان می‌دهد.

جدول ۱. اجزای سازمان فضایی استان گیلان

نوع فعالیت	اجزای سازمان فضایی
کشاورزی	کاربری اراضی / محدوده دشت‌ها / محدوده دامداری گسترده (سنتی) / محدوده‌های دامداری‌های مشرک (صنعتی) / محدوده‌های مرغداری صنعتی / محدوده‌های پرورش زنبور عسل / محدوده‌های پرورش کرم ابریشم / محدوده پرورش آبزیان / محدوده‌های کشت تخصصی / پراکندگی کشت و صنعت‌ها / محدوده‌های توان اکولوژیک / شبکه انتقال آب / سدها / شبکه‌های مدرن آبیاری و زهکشی / دریاها و دریاچه‌ها / رودخانه‌ها / محدوده حوضه‌های آبریز / بیلان آب حوضه‌ها / شبکه‌های مدرن آبیاری و زهکشی
صنعت	پراکندگی واحدهای بزرگ صنعتی / پراکندگی معادن / پراکندگی اندیس‌های معدنی / پراکندگی شهرک‌ها و نواحی صنعتی
خدمات	* بازرگانی: مبادی ورود و خروج زمینی بار و مسافر / پراکندگی فضایی سیلوها / پراکندگی سردخانه‌ها / پراکندگی انبارهای عمومی / پراکندگی گمرکات / پراکندگی مراکز تخلیه و توزیع کالا / پراکندگی بنادر / پراکندگی بازارچه‌های مرزی / مناطق آزاد / مناطق ویژه اقتصادی و تجاری / پراکندگی بورس * گردشگری: پراکندگی آثار و جاذبه‌های گردشگری / محدوده‌های گردشگری / پراکندگی تأسیسات و امکانات گردشگری / محدوده‌های زیست‌محیطی * ارتباطات: محدوده‌های پوشش تلویزیونی / شبکه فیبر نوری / مراکز پستی / خدمات اینترنتی * حمل و نقل: فرودگاه‌ها / راه‌های ارتباطی * جمعیت: پراکندگی نقاط جمعیتی / تراکم جمعیت * انرژی: نیروگاه‌ها / شبکه انتقال برق / خط لوله گاز / میدان‌های نفت و گاز / خطوط نفت و فرآورده / نیروگاه / پالایشگاه * خدمات درمانی: پراکندگی بیمارستان‌ها / مراکز بهداشتی / درمانی شهری / مراکز بهداشتی-درمانی روستایی / خانه بهداشت روستایی * آموزشی: پراکندگی مراکز آموزش عالی / مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای که بعد ملی و یا منطقه‌ای دارند / پارک‌های علمی و فن آوری / مراکز رشد / کربودر های علم و فن آوری * خدمات حمل و نقل: تیر پارک‌ها / پمپ بنزین / پمپ گاز * پولی و بانکی: بیمه / حقوقی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۵

۴-۲. تحلیل روابط اجزا سازمان فضایی در هر بخش و بین بخش‌های مختلف

سازمان فضای استان گیلان عامل تعیین کننده الگوی نظم فضایی در مناطق استان که منظر معیشت و فعالیت^۱ در آنها به صورت خودجوش یا نیمه هدایت شده شکل گرفته است و بدین ترتیب منظر یا چشم انداز طبیعی^۲ از نظم خود خارج شده به مراتب متنوع‌تر و پیچیده‌تر از عوامل مؤثر در تعیین نظم فضایی نواحی بکر و دست نخورده است. بدین معنا که در نواحی فعال علاوه بر تعریف فعالیت‌ها و یا مشخص کردن محورهای جدید توسعه، نوعی ساماندهی فضایی در نظام کاربری موجود نیز ضروری است. در حال حاضر وضعیت بارگذاری استان که طی سالیان دراز به طور خودجوش انجام گرفته، موجب پیدایش نوعی رشد قطبی در استان شده و تداوم این فرآیند به قطبی شدن توسعه^۳ منجر گشته است. از این رو استان در یک پهنه‌بندی ناحیه‌ای به نواحی فعال و کم فعال و غیر فعال تقسیم شده است. از همین رو در برنامه آمایش استان، شرایط شناسایی و تعریف عوامل اثرگذار بر الگوی طراحی سازمان فضایی از اهمیت زیادی برخوردار است.

عواملی که در تعیین الگوی نظم فضایی استان وجود دارد به طور کامل در برنامه آمایش استان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است که با توجه به حجم بالای آن از حوصله این مقاله خارج است. جا دارد در ادامه این بحث ارتباط اجزاء بخش با یکدیگر و ارتباط بین بخش‌های مختلف و تعاملات بین آنها به طور مختصر به صورت کیفی در تحلیل سازمان فضایی فعالیت‌ها مورد تحلیل قرار گیرد. شناخت پایه‌ای از وضعیت نهاده‌های موجود و گویا کردن آنها از طریق نقشه‌های موضوعی، این امکان را فراهم می‌سازد که بتوان یک تصویر فضایی از نظام و سازمان فضایی استان (اشکال اجزای سازمان فضایی فعالیت‌های بخش کشاورزی، صنعت و خدمات تهیه ولی به دلیل حجم بالای آن در این مقاله ارائه نشده است) ارائه داد و سپس بر اساس یک تجزیه و تحلیل از دیدگاه برنامه‌ریزی فضایی^۴ وزن و میزان اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌های یاد شده را در شکل‌گیری سازمان فضایی استان مشخص کرد. تشخیص وضعیت تعادل و یا عدم تعادل بر اساس چنین شناختی از عرصه‌های زیست و فعالیت، تعیین کننده نوع و کیفیت رابطه میان ظرف و مظهر، یعنی عرصه‌های استان و بارگذاری جمعیت و فعالیت بر روی آن است که می‌تواند برای طراحی الگوی نظم فضایی و هدایت آن مورد استفاده قرار گیرد. در تحلیل نظام کاربری اراضی در سازمان فضایی استان گیلان تیپ‌های ناهمواری یاد شده بسیار متفاوت است. به طور کلی نظام کاربری اراضی را از جلگه به کوهستان می‌توان در دسته‌بندی کلی به سه گروه که در جداول (۲،۳،۴) آمده ارائه نمود (مهدوی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۳۴).

1. Cultural Landscape
2. Natural Landscape
3. Polarization
4. Spatial planning

جدول ۲. نظام کاربری اراضی در بخش جلگه‌ای استان گیلان

شرح	نوع کاربری	توضیحات
کاربری‌های اصلی در بخش جلگه‌ای	کاربری کشاورزی	شامل ترکیبی از زراعت‌های سالانه و باغداری
	شهری و روستایی	شامل ساخت و سازهای نسبتاً و بسیار فشرده در امتداد راه‌های اصلی
	صنعتی	شامل کارگاه‌های بزرگ صنعتی در اطراف شهرهای بزرگ و شهرک‌های صنعتی
	ارتباطی	شامل بزرگ‌راه‌ها، راه‌های اصلی و فرعی، فرودگاه، بندر و تأسیسات اسکله در ساحل
	اراضی آبگیر	شامل تالاب‌ها، رودخانه‌ها، تراس‌های رودخانه‌ای، تالاب‌های ساحلی، آب‌بندها و دریاچه‌های پشت سدها
	اراضی بایر	شامل متعلق به منابع طبیعی در امتداد خط ساحلی و کناره راه‌ها
	اراضی جنگلی و بیشه‌زاری	شامل بقایای برجای مانده از جنگل‌های طبیعی و یا اراضی جنگل‌کاری شده سازمان
	جنگل‌ها و مراتع	شامل بقایای برجای مانده از جنگل‌های طبیعی و یا اراضی جنگل‌کاری شده سازمان جنگل‌ها و مراتع
اراضی یا کاربری‌های متفاوت	شامل اراضی حفاظت شده توسط سازمان حفاظت محیط زیست	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۵

جدول ۳. نظام کاربری اراضی در بخش کوهپایه‌ای استان گیلان

شرح	نوع کاربری	توضیحات
کاربری‌های اصلی در بخش کوهپایه‌ای	جنگلی	شامل جنگل‌های طبیعی و مصنوعی
	کشاورزی	شامل کشاورزی در دامنه‌های کم شیب و تراس‌های رودخانه‌ای و دره‌های خروجی از کوه‌ها
	مسکونی	به صورت شهرهای کوچک و روستاهای پراکنده و چه به صورت تک خانه‌های پراکنده
	مرتعی	شامل اراضی جنگلی تخریب شده و یا اراضی بین جنگلی
	بایر	شامل اراضی واقع در دامنه‌ها و تراس‌های رودخانه‌ای
ارتباطی	در امتداد دره‌ها با تراکم کم	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۵

جدول ۴. نظام کاربری اراضی در بخش کوهستانی استان گیلان

شرح	نوع کاربری	توضیحات
کاربری‌های اصلی در بخش کوهستانی	جنگلی و مرتعی	در دامنه‌های کوهستانی
	مرتعی	در استپ‌های کوهستانی
	کشاورزی	شامل اراضی باغی پراکنده
	اراضی آبگیر	شامل مسیر رودخانه‌ها و دریاچه‌های پشت سدها
	کاربری‌های مسکونی	شامل کاربری‌های مسکونی و دائم و یا موقت در نواحی بیلاقی و شهرها و روستاهای کوچک پراکنده کوهستانی
کاربری ارتباطی	شامل راه‌های عمدتاً فصلی با تراکم بسیار کم	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۵

۳-۴. تحلیل روابط اجزا سازمان فضایی بخش

در این بحث ارتباط اجزای بخش با یکدیگر بررسی و تناسب یا عدم تناسب بین ظرفیت آنها با یکدیگر تحلیل می‌شود. تحلیل بیلان منابع آب بر حسب زیر حوزه‌ها و دشت‌های گیلان متکی به دو حوزه داخلی استان (رودخانه‌های داخلی) و خارج استان (حوزه سفید رود، قزل اوزن و شاهرود) می‌باشد. شبکه‌های آبیاری زهکشی در اغلب سدهای مخزنی به منظور تأمین آب کشاورزی احداث می‌گردند. ولی متأسفانه در استان گیلان احداث شبکه‌های آبیاری و زهکشی پایین دست سد سفیدرود با تأخیر طولانی مواجه شده است بدین معنی که در دشت‌های زیرسدها شبکه آبیاری و

زهکشی به طول کامل پس از گذشت ۴۰ سال اجرا نشده است و همچنین ظرفیت سدهای موجود با آب قابل ذخیره سازی در استان متناسب نمی‌باشد. می‌توان ادعان داشت که محصولات کشاورزی استان متناسب با اقلیم استان فعالیت دارند و همچنین حجم برداشت آب از منابع زیرزمینی متناسب با تغذیه آن در سطح استان گیلان صورت می‌گیرد. زنجیره‌های تولید در استان به شکل ابتدایی در پاره‌ای از محصولات نظیر برنج و چای صورت گرفته است. ولی به طور کلی زنجیره‌های تولید که به شکل فرآیندی از شروع تا پایان انجام می‌شود، صورت نگرفته است. تأسیسات امکانات اقامتی مناسب با جاذبه‌های توریستی استان چه از نظر تعداد و چه از نظر نوع آنها هنوز آن طوری که باید باشد در استان شکل نگرفته و سنخیتی بین امکانات اقامتی مناسب با جاذبه‌های توریستی در استان وجود ندارد.

۴-۴. تحلیل روابط اجزای سازمان فضایی بین بخش‌ها

در این بخش ارتباط بین بخش‌های مختلف و تعاملات بین آنها و نیز وضعیت همگونی توسعه بخش‌ها در جهت پاسخ‌گویی به نیاز سایر بخش‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. می‌توان ادعان داشت که ظرفیت صنایع غذایی استان متناسب با تولیدات بخش زراعت و دامداری تا حدودی سنخیت دارد و می‌تواند به خودکفایی کامل در این زمینه برسد. در مورد رشته‌های دانشگاهی استان، فقط پاره‌ای از رشته‌ها تا حدودی با فعالیت‌های محوری استان در ارتباط می‌باشد ولی در اکثر رشته‌های دانشگاهی استان متناسب با فعالیت‌های محوری استان سنخیت ندارد. در رابطه با توسعه راه‌های استان می‌توان گفت که راه‌های استان تقریباً با حجم فعالیت‌های استان صورت گرفته است.

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ در استان گیلان، ۲۳ درصد شاغلان در بخش کشاورزی اشتغال داشته‌اند و بر اساس برآورد متوسط مالکیت زمین‌های کشاورزی در استان ۱/۴۴ هکتار می‌باشد که مفهوم این رقم زمانی گویا می‌شود که این زمین بین وراثت تقسیم می‌گردد. حتی در شرایط عدم تقسیم ۱/۴۴ هکتار تکافوی معیشت بیش از یک خانوار را نمی‌دهد و نمی‌توان نیروی کار بیشتری را برای کاشت آن به خدمت گرفت. بدین ترتیب می‌توان گفت که بخش کشاورزی نه تنها قابلیت اشتغال‌زایی ندارد بلکه به دلایلی که گفته شد، سالانه تعدادی از نیروی کار خود را از دست می‌دهد. به عبارتی بهتر، می‌توان گفت که توسعه کشاورزی در بخش جلگه‌ای به آستانه اشباع فضایی خود رسیده و توسعه کمی آن بیش از این میسر نیست و باید در صدد جستجوی راهکارهای تازه‌ای برای توسعه کیفی آن برآمد. هر چند مواد خام و اولیه استان در بخش کشاورزی، در صنعت قابل استفاده می‌باشد و با توجه به توضیحات فوق، توجه به صنایع تبدیلی در بخش کشاورزی و ایجاد اشتغال در این بخش باعث تمرکز و تعادل فعالیت‌ها در سطح استان خواهد شد که از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد.

بر اساس مطالعات به عمل آمده، ارزش خرید مواد اولیه صنایع بزرگ استان گیلان ۱۵ درصد از آن در داخل استان، ۶۱ درصد از داخل کشور و ۲۴ درصد از آن نیز از خارج کشور تأمین گردیده است (قربانی، ۱۳۸۳: ۶۵). این نشانگر آن است که پیوستگی این صنایع به تأمین مواد اولیه در داخل استان پایین و به کشور زیاد و به خارج کشور متوسط است. در نتیجه می‌توان گفت که فقط درصد پایینی از مواد اولیه استان در بخش صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در رابطه با مراکز نگهداری

تولیدات کشاورزی استان می‌توان گفت که هیچگونه تناسبی وجود ندارد و یا اگر مراکز جهت نگهداری تولیدات کشاورزی وجود دارد به هیچ وجه استاندارد نمی‌باشد. استان از لحاظ نگهداری تولیدات کشاورزی نیاز به ساخت استاندارد این مراکز را دارد. این نکته در رابطه با تولیدات صنعتی استان قابل ذکر است که تولیدات صنعتی استان توسط ناوگان حمل و نقل استان جایجا می‌شود. توزیع راه‌های استان در سطح نواحی جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی نشان می‌دهد که راه‌های اصلی و کارآمد استان عمدتاً در ناحیه جلگه‌ای کشیده شده‌اند. در مقابل وضعیت مطلوبی که راه‌های بخش جلگه‌ای دارند، راه نواحی کوهستانی که بردار اصلی توسعه و تثبیت معیشت در این نواحی به شمار می‌آیند، از کیفیت پایینی برخوردارند. اغلب این راه‌ها تنها در فصل تابستان قابل استفاده بوده و در سایر فصول سال به دلیل تخریب و یا لغزندگی سطح خاک آن، به آسانی قابل استفاده نیستند. در رابطه با مراکز سکونتگاهی استان می‌توان گفت تمامی مراکز سکونتگاهی از راه‌های آسفالتی فرعی برخوردار می‌باشند و همچنین می‌توان اذعان داشت که تقریباً توسعه راه‌ها متناسب با حجم فعالیت‌های استان صورت گرفته است. مبادی ورود و خروج کالا و مسافر نیز دارای راه مناسب در استان می‌باشند.

در رابطه با راه دسترسی به جاذبه‌های گردشگری می‌توان گفت که از لحاظ کمی راه دسترسی به همه نقاط وجود دارد و از لحاظ کیفیت راه مطلوب گردشگری مناسبی را ندارد. و همچنین خدمات و تأسیسات گردشگری جدای از کم و کیفیت فعالیت‌ها و درجه‌بندی آنها می‌توان گفت که تمرکز اصلی این فعالیت نیز در بخش جلگه‌ای استان گیلان، به ویژه شهرهای رشت، انزلی و لاهیجان است. به استثنای تأسیسات موجود در شهرستان رودبار و شهر ماسوله، سایر تأسیسات گردشگری استان در ناحیه جلگه‌ای متمرکز هستند. این در حالی است که نواحی کوهپایه‌ای و کوهستانی استان، از جمله عرصه‌های بسیار جذاب برای جلب مسافران به شمار می‌روند، ولی بدلیل نبود امکانات اقامتی در آنها، مسافران به تأسیسات موجود در جلگه روی آورده و عمدتاً در این ناحیه مستقر می‌شوند. این وضعیت نشان می‌دهد که در توسعه و هدایت تأسیسات گردشگری، بیشتر به جذابیت طبیعی دریا و سواحل توجه شده و در همین حال جاذبه‌های طبیعی کوهستانی، ییلاقی، جنگلی تا حدود زیادی از محور توجه به دور مانده‌اند. در حالی که بخش مهمی از جاذبه‌های گردشگری استان در نواحی کوهپایه‌ای و کوهستانی قرار دارند که کمترین امکانات در آنجا به وجود آمده است. توجه به این نکته را می‌توان یکی از عوامل اصلی سیاست‌گذاری این بخش در آینده محسوب داشت و با هدایت آگاهانه برخی از تأسیسات به نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای، زمینه اشتغال و فعالیت را در این نواحی تقویت کرد و هم این که از بارگذاری شدید در ناحیه جلگه‌ای جلوگیری نمود.

در رابطه با انرژی (برق) می‌توان گفت که در استان گیلان از لحاظ این انرژی تولیدی علاوه بر نیاز استان، نیاز کشورهای همسایه را هم تأمین می‌نماید (صادرات برق). در رابطه با انرژی (گاز) می‌توان گفت که تمامی مراکز سکونتگاهی از این حیث بهره‌مند نیستند و در این زمینه توسعه نیافته‌اند. در رابطه با مؤسسات مالی و اعتباری می‌توان اذعان داشت که تمام نیازهای سرمایه‌گذاری استان را در جهت تولید تأمین نمی‌کنند و بیشتر به سرمایه‌گذاری‌های مولد پرداخته شده است. با توجه به بررسی‌های بعمل آمده بالغ بر نیمی از وجوه سرمایه‌گذاری در استان که از طریق سیستم بانکی تخصیص پیدا می‌کند به بخش خدمات تعلق گرفته و بخش‌های صنعت و کشاورزی در رتبه‌های

بعدی با فاصله زیادی قرار دارد. حجم سپرده‌های استانی با نیاز سرمایه‌گذاری استان متناسب نبوده است. بر اساس بررسی‌های بعمل آمده نسبت اعتبارات به نسبت به سپرده‌ها طی سال‌های اخیر همواره رقمی بالاتر از صد داشته که نشان می‌دهد استان علاوه بر جذب صد درصد سپرده‌های استانی از منابع سایر استان‌ها نیز استفاده نموده است. در رابطه با بورس کالاها که در گذشته وجود نداشته است ولی در سال ۱۳۸۶ بورس کالاهای کشاورزی در خصوص محصولات عمده استان انجام می‌شود.

۴-۴. سطح بندی اجزا سازمان فضایی در هر بخش

منظور از سطح‌بندی اجزای سازمان فضایی عبارت از دسته‌بندی‌های معنی‌داری است که می‌تواند در تحلیل آن پدیده به تحلیلگر کمک نماید. سطح‌بندی یک پدیده می‌تواند براساس ویژگی‌های کیفی و یا کمی آن پدیده صورت گیرد. استان گیلان با ۰/۸۶ درصد مساحت ایران ۳/۴۳ درصد جمعیت ایران را در سال ۱۳۸۵ به خود اختصاص داده است، به طوری که تراکم جمعیت در سطح استان گیلان معادل ۱۷۱ نفر در هر کیلومتر مربع بوده و یکی از استان‌های پرتراکم به لحاظ مساحت می‌باشد. در این راستا تعادل بخشی به عرضه فضایی استان گیلان (تعادل بین مساحت و جمعیت) با فراهم کردن فعالیت‌های اقتصادی، زیرساختی و استفاده منطقی از زمین و فضا یکی از ضرورت‌های برنامه‌های توسعه می‌باشد که می‌بایست مورد توجه جدی در طرح آمایش سرزمین قرار گیرد. بی‌تردید شکل‌گیری الگوی فضایی جمعیت و فعالیت‌ها در یک منطقه متأثر از شرایط متعدد اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی و جغرافیایی است و نقش سیاست‌های ملی و منطقه‌ای در تعدیل یا تعمیق الگوهای پراکنش عناصر فضایی بر کسی پوشیده نیست. در ایران تا سال ۱۳۰۰ سیستم فضایی جمعیت و فعالیت‌ها از توزیع متعادل نسبی برخوردار بوده است. به این معنی که تا این سال در کشور کلان‌شهری که حجم عظیمی از فعالیت‌ها و جمعیت را به خود جذب کند و باعث ناهمگونی فضایی سرزمین گردد وجود نداشت. در منطقه شمال کشور شهر رشت همواره در طول تاریخ از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار بوده و این شهر سرویس دهنده اصلی منطقه شمال کشور بوده است.

در استان گیلان نیز روند شکل‌گیری مراکز زیست و فعالیت متأثر از سیستم حاکم بر حوزه سرزمینی بوده است. توزیع جغرافیایی مراکز زیست در استان نشان می‌دهد بین شهرهای بزرگ و کوچک از نظر کمی و کیفی، عملکردی حوزه‌های نفوذ و کارکردهای منطقه‌ای تفاوت بسیاری وجود دارد. همان‌گونه که در مقیاس ملی، شهر تهران حجم بزرگی از جمعیت و فعالیت‌ها را به خود اختصاص داده در استان گیلان و حتی در منطقه شمال کشور، شهری به اندازه رشت دارای حوزه نفوذ وسیع، حجم عظیم فعالیت‌های صنعتی - خدماتی و بازرگانی و تمرکز جمعیت است. یکی از مهمترین ویژگی‌های نظام شهرنشینی در استان گیلان رشد جمعیتی شدید شهر رشت و تراکم جمعیت در آن است، که تراکم این شهر خارج از ترتیب نظام شهری استان قرار گرفته و بعنوان شهر برتر یا نخست شهر^۱ تفوق و برتری خود را حفظ کرده است. با جمع‌بندی بررسی روند شکل‌گیری

1. primate city

مراکز زیست شهری در استان می‌توان اذعان کرد که طی این دوره بیست ساله هر چند که افزایش جمعیت کل استان پایین تر از متوسط کشور است ولی افزایش جمعیت شهری در حالت مشابه کشور قرار داشته و افزایش جمعیت روستایی پایین تر از متوسط کشوری است. در دهه ۶۵-۱۳۵۵ حدود ۳۲۳ هزار نفر و در دهه بعدی تعداد ۲۶۶ هزار نفر بر جمعیت شهرنشین استان افزوده شده است. بدین ترتیب دهه ۶۵-۱۳۵۵ در رشد جمعیت شهرنشین استان برهه ممتازی محسوب می‌شود. همچنین شهر رشت در سرشماری‌های عمومی سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب: ۴۱، ۳۷/۱، ۳۹/۸ و ۴۳ درصد جمعیت شهری استان را به خود اختصاص داده است که نمایانگر تسلط و تفوق جمعیتی این شهر در نظام شهری استان است.

بررسی رشد جمعیت و توزیع کانون‌های شهری در دوره زمانی ۸۵-۱۳۵۵ نمایانگر تغییر و تحولات جدی در نظام شهرنشینی استان است، افزایش تعداد کانون‌های شهری از ۱۹ نقطه شهری در سال ۱۳۵۵ به ۴۹ نقطه شهری در سال ۱۳۸۵، افزایش درصد جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی (از ۲۹/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۵۳/۹ درصد در سال ۱۳۸۵)، افزایش تعداد و اندازه شهرهای بزرگ و مرکز استان عمدتاً ناشی از مهاجرت‌های داخل استانی و تبدیل تعدادی از روستاهای بزرگ به نقاط شهری جدید بوده است. در استان گیلان به دلیل وجود الگوی نخست شهری، ناهماهنگی سلسله مراتب شهری در ارتباط با رتبه و اندازه مکان‌های شهری کاملاً مشخص است. تحلیل منحنی‌های نخست شهری و بررسی جمعیت واقعی و برآورد مقدار مورد انتظار آنها از روی مدل براساس قاعده مرتبه - اندازه نمایانگر افزایش نسبی حاکمیت نخست شهری در شبکه شهرهای استان و گرایش به سمت الگوی بزرگ‌تری در سال ۱۳۷۵ و ادامه آن در سال ۱۳۸۵ است. این وضعیت حاکی از عدم تعادل در توزیع فضایی جمعیت، فرصت‌های شغلی و خدمات و تمرکز سرمایه‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای در مرکز استان و قطبی شدن مجموعه پتانسیل‌ها به نفع ابرشهر ناحیه‌ای است. جدول (۵) سطح بندی طبقات جمعیتی شهرهای استان گیلان دوره زمانی ۸۵-۱۳۵۵ را نشان می‌دهد.

جدول ۵. طبقات جمعیتی شهرهای استان گیلان در دوره زمانی ۸۵-۱۳۵۵

شرح دامنه جمعیتی	۱۳۵۵			۱۳۶۵			۱۳۷۵			۱۳۸۵		
	تعداد شهر	تعداد جمعیت	درصد	تعداد شهر	تعداد جمعیت	درصد	تعداد شهر	تعداد جمعیت	درصد	تعداد شهر	تعداد جمعیت	درصد
جمع کل	۱۹	۴۶۱۳۵۵	۱۰۰	۳۱	۷۸۴۱۷۳	۱۰۰	۳۵	۱۰۴۹۹۸۰	۱۰۰	۴۹	۱۲۹۵۷۵۱	۱۰۰
کمتر از ۵۰۰۰ نفر	-	-	-	۳	۱۰۶۰۹	۱.۴	۲	۳۵۷۷	۰.۳	۱۶	۳۶۳۴۴	۲.۸
۵۰۰۰ - ۹۹۹۹ نفر	۸	۵۸۳۶۸	۱۲.۷	۱۲	۸۶۹۰۴	۱۱.۱	۱۳	۹۴۲۴۸	۹	۱۱	۷۵۸۱۳	۵.۹
۱۰۰۰۰ - ۱۴۹۹۹	۴	۴۷۸۰۳	۱۰.۴	۶	۷۴۷۰۷	۹.۵	۹	۱۱۷۷۰۹	۱۱.۲	۹	۱۱۰۶۲۰	۸.۵
۱۵۰۰۰ - ۲۴۹۹۹	۳	۵۰۱۵۱	۱۰.۹	۵	۱۱۹۱۱۳	۱۵.۲	۱	۱۵۷۰۲	۱.۵	۳	۴۷۹۱۶	۳.۷
۲۵۰۰۰ - ۴۹۹۹۹	۲	۶۰۵۹۵	۱۳.۱	۳	۱۱۴۸۸۰	۱۴.۶	۶	۱۹۲۷۱۰	۱۸.۴	۶	۲۱۸۴۸۵	۱۶.۹
۵۰۰۰۰ - ۹۹۹۹۹	۱	۵۵۴۸۱	۱۲	۱	۸۷۰۶۳	۱۱.۱	۳	۲۰۸۲۸۶	۱۹.۸	۲	۱۳۸۵۶۴	۱۰.۷
۱۰۰۰۰۰ - ۴۹۹۹۹۹	۱	۱۸۸۹۵۷	۴۱	۱	۲۹۰۸۹۷	۳۷.۱	۱	۴۱۷۷۴۸	۳۹.۸	۱	۱۱۰۶۴۳	۸.۵
۵۰۰۰۰۰ نفر و +	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۵۵۷۳۶۶	۴۳.۰

منبع: معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان، ۱۳۸۶، سالنامه آماری استان گیلان (۱۳۸۵)

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان گیلان، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵

الگوی پراکنش روستاها در پهنه فضای جغرافیایی استان متأثر از شرایط و ویژگی‌های طبیعی و محیطی بوده است. پستی و بلندی، موقعیت آبهای دائمی و فصلی، دسترسی به خطوط ارتباطی دشت‌های حاصلخیز و ... از مهمترین عوامل تأثیرگذار در استقرار روستاهای استان بوده است. در ارتفاعات زیاد به تدریج از تراکم آبادی‌ها کاسته می‌شود و در ارتفاعات بالای ۵۰۰ متر آبادی‌های نسبتاً بزرگ نادر دیده می‌شود و همچنین از تعداد آبادی‌ها در مناطق کوهستانی کاسته می‌شود. روستاهای بزرگ بیشتر در ناحیه جلگه‌ای و دشت‌ها استقرار یافته‌اند که دارای خاک حاصلخیز و شبکه دسترسی مناسب نیز می‌باشد. از طرف دیگر موقعیت رودخانه‌های دائمی و فصلی و آبراهه‌ها در استقرار آبادی‌ها مؤثر بوده و نگاهی کوتاه به نقشه پراکنش آبادی‌های استان گیلان نشان می‌دهد تمام روستاها به نوعی از الگوی مسیر حرکت رودخانه‌ها متأثر بوده و به صورت خطی در امتداد رودخانه‌های دائمی و فصلی مستقر شده‌اند. استان گیلان برپایه ساختار اکولوژیک و شرایط توپوگرافیک خود، از چهار ناحیه مشخص و متمایز تشکیل شده است. نحوه پراکندگی آبادی‌ها در این نواحی از قانونمندی طبیعی شکل‌گیری سکونتگاه‌ها در هر ناحیه تبعیت می‌کند:

(الف) نوار ساحلی: آبادی‌های مستقر در نوار ساحلی دریای خزر واقع در شمال منطقه گیلان از تراکم کمتری برخوردار می‌باشند. نوار ساحلی دریای خزر، نوار باریکی است که در سرتاسر آن اراضی شنی ساحلی قرار دارد و ساخت و سازهای موجود در آن بیشتر کاربری استراحتگاهی داشته و کمتر از بافت روستایی برخوردار است. آبادی‌هایی که در این نوار یا مجاور و به موازات آن مستقر می‌باشند عمدتاً آبادی‌های حد فاصل نوار ساحلی و ناحیه جلگه‌ای استان هستند. آبادی‌های موجود در نوار ساحلی بیشتر در شهرستان بندرانزلی وجود دارند و حدود نیمی از روستاهای این شهرستان را شامل می‌شوند.

(ب) ناحیه جلگه‌ای: در این طبقه بندی نوع غالب روستاها جلگه‌ای روستاهایی هستند که در دشت‌ها استقرار یافته‌اند، وسعت اراضی و جمعیت‌پذیری این روستاها بیشتر از تپ‌های دیگر می‌باشد و متراکم‌ترین ناحیه روستایی استان گیلان است. در این ناحیه ویژگی غالب کشت فشرده سبب گردیده تا آبادی‌ها در جوار یکدیگر و بدون فاصله شکل گیرند.

(ج) ناحیه کوهپایه‌ای: روستاهای میان‌کوهی روستاهایی هستند که در داخل مناطق کوهستانی و در میان دره‌ها شکل گرفته‌اند، در میان دره‌ها دره‌ها که دامنه‌های دره از هم فاصله گرفته و پادگانه‌های آبرفتی تشکیل شده مکان مناسبی برای به وجود آمدن این روستاها بوجود آمده و در امتداد دره‌ها به خصوص رودخانه‌ها و راه‌های ارتباطی که در میان دره‌ها معمولاً رودخانه‌ها را تعقیب می‌نمایند، شکل گرفته است. این مناطق به علت داشتن شیب ملایم وجود آب و بافت خاک نسبتاً خوب مکان‌های مناسبی برای استقرار روستاها می‌باشند. اما تراکم آبادی‌ها در این ناحیه کمتر از ناحیه جلگه‌ای است. آبادی‌ها در این ناحیه در دامنه شمالی سلسله کوه‌های البرز شکل گرفته‌اند و از نظر بافت روستایی جملگی مجتمع می‌باشند. در این تپ روستاها به علت کم بودن وسعت اراضی، زراعت دامنه وسیعی ندارد و اصولاً معیشت روستاهای میان‌کوهی به باغداری و دامداری، صنایع دستی و پاره‌ای از امور خدماتی متکی می‌باشد. فاصله آبادی‌ها و باغات و کشتزارهای آنها از یکدیگر چندان نیست از این رو انسجام فضایی خاصی در شیب‌های شمالی البرز به چشم می‌خورد.

د) ناحیه کوهستانی: روستاهای کوهستانی که در ارتفاعات استقرار یافته‌اند، به علت داشتن شیب تند، سختی معیشت و آمد و شد، جاذب جمعیت‌های زیادی نیستند و معیشت این روستاها عموماً در رابطه با دامداری، باغداری و احتمالاً برخی خدمات زیارتی و تفریحی شکل می‌گیرد (مهدوی و درویش رحیم‌آبادی، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۲).

۴-۵. خدمات

توزیع مراکز اصلی خدمات استان بر اساس مرکزیت شهر رشت شکل گرفته است. مرکزیت شهر رشت در این رابطه بر اساس ساختار فضایی استقرار شهرها که حاصل عبور محورهای اصلی حمل و نقل در سطح منطقه است، به شکل خطی می‌باشد. توزیع و پراکندگی اغلب شهرها حول محورهای اصلی رشت - قزوین در جنوب منطقه رشت - بندرانزلی - آستارا در شمال و شمال غربی منطقه، رشت - فومن - صومعه‌سرا در غرب منطقه و رشت - رامسر در شرق منطقه و نقش گره‌گاهی رشت در محل اتصال این شاهراه‌ها، نقش مرکزیت شهر رشت را تثبیت می‌نماید.

در کنار این، نزدیکی فاصله نقاط شهری به یکدیگر و در کل با شهر رشت و سهولت دسترسی و آسان بودن حمل و نقل و رفت و آمد، نقش مرکزی شهر رشت را در منطقه تشدید می‌کند. شهرهای مراکز بخش و شهرهای دیگر غیر از مراکز شهرستان‌ها برای رفع نیاز اساسی‌تر و بهره‌گیری از امکانات خدمات برتر و سطح عالی در مرحله دوم به رشت مراجعه می‌نمایند. شهرهای مرکز شهرستان نیز در مرحله اول برای بهره‌گیری از امکانات و خدمات به شهر رشت روی می‌آورند. نزدیکی فاصله و هم‌جواری منطقه با تهران سبب گردیده تا استان گیلان به میزان قابل توجهی از لحاظ بهره‌مندی از خدمات سطح بالاتر شهری وابستگی به تهران داشته و خود از این نظر فاقد امکانات و تسهیلات لازم باشد. این امر سبب گردیده است تا ارتباط نزدیکی میان نقاط شهری واقع در رأس هرم نظام شهری منطقه با تهران وجود داشته باشد.

در مرحله دوم، قدرت نقش‌آفرینی هر یک از شهرهای مرکز شهرستان در حوزه نفوذ شهرستان مربوط به خود می‌باشد. کلیه شهرهای مرکز شهرستان به نوبه خود توانایی خدمات‌رسانی به نقاط شهری موجود در حوزه سیاسی خود را دارا می‌باشند و در مرحله اول محل مراجعه این شهرها قرار می‌گیرند. برخی از نقاط شهری مرکزی شهرستان مانند: بندرانزلی و لاهیجان از محدوده سیاسی خود نیز فراتر خدمات‌رسانی می‌نمایند. این خود نمایانگر این واقعیت است که اگر توجه ویژه‌ای به این شهرها صورت گیرد از بار تمرکز در شهر رشت کاسته خواهد شد و سازمان فضایی شهرهای استان شکل متعادل‌تر می‌یابد. از وضعیت خدمات‌دهی شهرهای استان می‌توان این نتایج را حاصل نمود:

۱. شهرهای مراکز شهرستان‌ها هر یک به نوبه خود در حد محلی یعنی در محدوده شهرستان خود دارای نفوذ خدماتی هستند و شهرهای واقع در هر شهرستان برای برخورداری از اصلی‌ترین خدمات در مرحله اول به مرکز خود مراجعه می‌نمایند.

۲. شهرهای مراکز شهرستان خود در مرحله اول برای استفاده از خدمات اصلی به شهر رشت، مرکز استان مراجعه می‌نمایند. شهر رشت یک مرکز قوی در منطقه محسوب می‌شود که محل مراجعه کلیه نقاط شهری غیر از مراکز شهرستان در مرحله دوم و مرکز شهرستان در مرحله اول می‌باشد.

۳. شهرهای مراکز شهرستان و شهر رشت برای بهره‌گیری از خدمات اصلی در مرحله دوم به شهر تهران مراجعه می‌نمایند.

۴. نظام خدمات رسانی شهرها به روستاهای استان بر اساس سازوکارهای بازارهای هفتگی شکل گرفته است.

۴-۶. تعیین میزان تناسب و یا تعادل فعالیت‌ها با فضا از نظر مقیاس تولید، تکنولوژی و بازار

شبکه هیدروگرافی گیلان، در ایجاد فعالیت و استقرار جمعیت در استان، نقش مؤثری داشته است، این شبکه، شامل پنج حوزه آبخیز: آستارا - رضوانشهر، تالاب آنزلی از شاندرمن تا رشت، پسیخان تا سفید رود، آستانه - لنگرود و حوزه شلمان - چابکسر است. ویژگی‌های این حوزه‌ها نشان می‌دهد که نبود محدودیت در جریان حمل کالا و مسافر در این حوزه‌ها، بر توزیع فعالیت و جمعیت مؤثر بوده است. در دوران ابتدایی شکل‌گیری شهرها، اساس اقتصاد این ناحیه متکی بر فعالیت‌های کشاورزی بوده و بسیاری از شهرنشینان نیز مزارع خود را در حاشیه شهرها ایجاد می‌کردند، میان کوه‌نشینان و جلگه‌نشینان پیوندهای قومی و اقتصادی وجود داشت. با گذشت زمان به دلیل دسترسی به منابع اقتصادی مانند: زمین‌های کشاورزی، جنگل، دریا و راه‌های ارتباطی و دریایی، اقتصاد این ناحیه رونق یافت و کانون‌های جمعیتی متعددی در این محدوده جغرافیایی به وجود آمد. بررسی چگونگی استقرار جمعیت در درون حوزه‌های اکولوژیکی (جلگه و کوهستان) شهرستان‌های استان، حاکی از عدم تعادل فضایی در توزیع جمعیت آنان است. در بخش کوهستانی استان الگوی غالب، سکونتگاه‌های کوچک و پراکنده روستایی است که با وجود اقدامات فراوان در زمینه تثبیت جمعیت در این مناطق همواره از نقاط مهاجر فرست بوده‌اند.

بر اساس مطالعه و بررسی میزان سطح تمرکز در کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر به بالای استان گیلان و نحوه استقرار فعالیت‌های صنعتی از لحاظ متمرکز بودن می‌توان این گونه تحلیل نمود که: سطح تمرکز در توزیع فعالیت‌ها کارگاهی گیلان بالا می‌باشد. زیرا میزان شاخص بالاتر از ۵۰ رسیده است و بیانگر آن است که فعالیت‌ها در یک یا چند شهرستان متمرکزتر است و در شهرستان‌های دیگر تناسبی با سهم درصدی مساحت آنها از استان ندارد. در این رابطه شهرستان رشت، تالش و رودبار در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند. همچنین آستانه، املش و فومن در رتبه‌های آخر قرار دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. سطح تمرکز بر اساس اشتغال نیز به مانند سطح تمرکز بر اساس تعداد کارگاه‌ها بالا بوده و از این نظر حتی متمرکزتر از سطح تمرکز بر اساس تعداد کارگاه‌ها می‌باشد و بیانگر آنست که علاوه بر تمرکز کارگاهی در برخی شهرستان‌ها، سطح تمرکز بر اساس اشتغال نیز در این گونه شهرستان‌ها در مقیاس بالاتر قرار دارد. برای مثال شهرستان رشت که ۴۱/۸ درصد از تعداد کل کارگاه‌ها را به خود اختصاص داده، از نظر اشتغال ۶۰ درصد از کل اشتغال صنایع ۱۰ نفر به بالای سال ۱۳۸۲ را شامل می‌شود. لازم به ذکر است که تمرکز در شهرستان رشت به عنوان مرکز استان اجتناب‌ناپذیر است ولی محروم ماندن شهرستان‌هایی نظیر: ماسال، رضوانشهر، شفت، آستارا، سیاهکل و ... از حداقل‌ها برخوردار کارگاهی نیز سوال برانگیز بوده و نیاز به اقدامات لازم در آینده دارند. البته باید توجه

داشت که رشد صنعت بهتر است که در شهرک‌های صنعتی شهرستان‌ها صورت گیرد و از تأسیس صناعی که موجب آلودگی‌های زیست محیطی خارج از شهرک می‌گردد، جلوگیری به عمل آید. همچنین از سال‌های ۱۳۸۳ به بعد نیز صنایع جدیدی در شهرک‌های صنعتی شهرستان‌های استان به بهره‌برداری رسیده ولی به دلیل عدم انتشار آمار مربوطه به ویژه در زمینه ارزش افزوده امکان استفاده از آنها میسر نشده است.

۲. به مانند تغییرات بطئی که در کاهش تمرکز بر اساس تعداد کارگاه‌ها وجود داشت علیرغم کاهش تمرکز بر اساس میزان اشتغال طی سال‌های ۸۲-۱۳۷۹ میزان این کاهش قابل توجه نبوده و به سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات جدی‌تری نیاز دارد.

تحلیل استقرار فعالیت‌ها در رابطه با بازارهای داخلی و خارجی و دسترسی به آنها به عنوان یک فعالیت واسط و پیونددهنده بخش‌های اقتصادی کشور از اهمیت کلیدی و راهبردی برخوردار است. این بخش در ابعاد وسیع خود و در مفهوم جامع به کلیه اقدامات و سیاست‌های اطلاق می‌گردد که با هدف ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای کل، تعدیل قیمت‌ها و تأمین نیازهای آحاد جامعه و امور مربوط به ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی منتهی می‌شود. به بیان دیگر توانایی‌های اقتصادی هر جامعه در قالب کیفیت و کمیت کالاها و خدمات تولید شده، از طریق فعالیت‌های بخش بازرگانی، در عرصه داخلی و خارجی، منعکس می‌شود و تنها این بخش است که قادر است مطلوب‌ترین شیوه ارتباط میان عرضه و تقاضا را در سطح جامعه برقرار سازد.

استان گیلان نیز به لحاظ برخورداری از مرزهای دریایی و زمینی، نزدیکی به پایتخت و همجواری با استان‌های صنعتی و کشاورزی کشور و همچنین موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک در منطقه، دارای بستری مناسب برای فعالیت‌های تجاری و خدمات بازرگانی بوده و از این حیث نقش بسزایی در اقتصاد ملی و فراملی ایفا می‌نماید. تجارت و بازرگانی، بالاخص درگستره فراملی، از دیر باز در استان گیلان رایج بوده و به عنوان یکی از متداول‌ترین راه‌های امرار معاش و کسب روزی در این استان به شمار می‌رفت. عدم دسترسی به راه‌ها و محورهای ارتباطی مطمئن و مساعد زمینی جهت پیوند فعالیت‌های استان با نواحی مرکزی کشور از یک طرف و دسترسی آسان به مسیرهای آبی و دریایی و برخورداری از امکانات و تجهیزات تجاری دریایی از طرف دیگر، باعث شد تا استان گیلان، از قرن‌ها پیش، سطح تجارت و بازرگانی خود را با تجار خارجی گسترش داده و بدین ترتیب تجارت خارجی استان در مقایسه با مبادلات داخلی از رونق بیشتر برخوردار شده است.

عامل تجارت خارجی محصولات گیلان (که محوری‌ترین آنها پيله ابریشم بوده) باعث شد تا خیل عظیمی از تجار خارجی و داخلی به سوی گیلان رهسپار شوند و به امر مبادله بپردازند. به طوری که عهد صفویه قابلیت و ارزش اقتصادی بازارهای گیلان به خصوص در شهرهای رشت، لاهیجان و بندر انزلی افزایش یافت که علاوه بر ارتقاء عملکرد آنها، اقداماتی برای تأسیس راه‌های مطمئن و تجارت خانه‌های متعدد در شهرها صورت پذیرفت که به عنوان قطب تجارت ابریشم در سواحل جنوبی دریای خزر معرفی شدند. در این راستا بندرانزلی و برخی بنادر نزدیک مانند لنگرود و پیربازار کارکرد زیادی به منظور تجارت خارجی از خود نشان دادند. موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد استان یکی از ویژگی‌ها و قابلیت‌های ساختاری این استان در حوزه بازرگانی داخلی و خارجی می‌باشد. همجواری (مرز خشکی و آبی) با ۴ کشور خارجی و دارا بودن ۴۵۰ کیلومتر مرز ساحلی با دریای خزر سبب

شده تا استان گیلان علاوه بر قابلیت‌های فراوان شیلاتی، در زمینه مبادلات بازرگانی با کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز، اسلاوشرقی و حتی اروپا نیز جایگاه و اهمیت خاصی داشته باشد. طبیعت استان گیلان با اقلیم معتدل، خاک‌های حاصلخیز آبرفتی، رودخانه‌های فراوان و پرآب، جنگل‌های انبوه و وسیع و مراتع طبیعی زمینه مساعدی را برای فعالیت‌های کشاورزی و صنایع تبدیلی فراهم نموده است، به طوری که این استان در تولید و صدور یکسری از کالاها نظیر: برنج، توتون، چای، پیله ابریشم، بادام زمینی، زیتون، مرکبات، گردو و فندق، دانه‌های روغنی، گل و گیاه زینتی، عسل، ماهی و خویار، منسوجات، کالاها و صنایع سلولزی (نئوپان، کاغذ و...) مواد شیمیایی (رنگ، چسب و...) و به سایر استان‌ها و حتی کشورهای خارجی مزیت نسبی دارد. منطقه آزاد بندرانزلی - گلشن با عملکرد غالب تجاری - توریستی که برخاسته از ویژگی‌های اقلیمی و شرایط خاص منطقه‌ای است، محوریت توسعه بخش خدمات و بازرگانی را در کنار دو بخش مولد دیگر، یعنی کشاورزی و صنعت انکارناپذیر می‌سازد. بالاخص قرار گرفتن در مسیر کریدور شمال - جنوب، احداث بزرگراه قزوین - رشت، احداث خطوط حمل و نقل ریلی قزوین - رشت - انزلی و از همه مهم‌تر قریب‌الوقوع بودن تبدیل منطقه ویژه به منطقه آزاد تجاری بندرانزلی، گام‌هایی بس مثبت بوده که نوید بخش و ترسیم‌کننده آینده‌ای درخشان برای استان گیلان می‌باشد.

۵. نتیجه گیری

استان گیلان به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی خود از امکانات زیادی برای توسعه برخوردار می‌باشد که اهم آنها عبارت است از: قسمتی از جلگه ساحلی غربی دریای خزر و کوهپایه‌های تالش و البرز، که قلمرو سرسبز گیلان قلمداد می‌شود، این استان را از سه ناحیه جغرافیایی: جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی تشکیل داده است. سازمان فضایی ناحیه جلگه‌ای گیلان که حول محورهای رشت - چابکسر - بندرانزلی، رشت - فومن و صومعه سرا و نوار جلگه تالش حول محور بندر انزلی - آستارا شکل گرفته است، به لحاظ وجود تراکم بالای جمعیت، استقرار کانون‌های شهری و نقاط روستایی، تمرکز فعالیت‌های تولیدی از بخش‌های کشاورزی و صنعتی و پراکندگی امکانات و تسهیلات خدماتی، وجود شبکه‌های زیربنایی مانند جاده‌های اصلی و فرعی و روستایی، شبکه‌های پست و مخابرات، شبکه‌های آب، برق و گاز طبیعی و دیگر امکانات توسعه‌زا همان‌گونه که در اشکال اجزای سازمان فضایی استان گیلان به طور مجزا ارائه شده، نسبت به نواحی - کوهپایه‌ای و دکوهستانی استان که شامل ناحیه جنگلی و نوار مرتعی می‌باشد، دارای موقعیت ممتازتری بوده و در زمره فضاهای نسبتاً توسعه یافته استان محسوب می‌شود. باتوجه به این نوع سازمان فضایی، توزیع امکانات، فعالیت‌ها، پراکندگی تسهیلات و نحوه میزان دسترسی به خدمات به صورت نسبتاً بهینه در سطح ناحیه جلگه‌ای استان گیلان صورت گرفته است.

یکی از مهمترین مقوله دربرنامه‌ریزی منطقه‌ای تعیین کاربری اراضی است. کاربری اراضی در واقع نحوه استفاده انسان از زمین، در فعالیت‌های مختلف مانند: کشاورزی، جنگل‌داری، مرتع‌داری، سطوح شهری - روستایی، صنعتی و ... را مشخص می‌سازد. استفاده از فضا در وضع موجود تا حدی بیانگر قابلیت‌ها و توان‌های محیطی آن است. اما گاه عدم شناسایی دقیق پتانسیل‌های محیطی و گاه اقتضای ضرورت‌ها موجب می‌شود که بهره‌گیری از برخی فضاها متناسب با قابلیت‌های بالقوه نباشد.

از این رو در مطالعات آمایشی تحلیل سازمان فضایی استان، مقوله کاربری و تخصیص فضا از اهمیت خاصی برخوردار است. بررسی روندهای گذشته و وضع موجود نشان می‌دهد استقرار صنایع استان گیلان از توزیع فضایی نامتعادل برخوردار می‌باشد. استقرار بیشتر صنایع بزرگ استان در مرکز استان و شهرستان رودبار مؤید این ادعاست. نتایج این بررسی در این زمینه نشان می‌دهد که گرایش‌های کنونی در ایجاد شهرک‌های صنعتی در نواحی صنعتی روستایی در سطح شهرستان‌های استان، طی سال‌های اخیر اقدامات مناسبی به عمل آمده است که با این روند می‌توان گفت استقرار صنایع در سطح نواحی مختلف استان از توزیع فضایی عادلانه‌تری نسبت به گذشته برخوردار خواهد بود.

کانون‌های فعالیت‌های خدماتی استان در نقاط شهری آن قرار دارد، بنابراین سطح خدمات به فراخور سطح شهرها در نظام سلسله مراتب عملکردی آن تفاوت خواهد داشت. به نظر می‌رسد با توجه به افزایش خدمات در شهرهای بزرگ، ضریب کشش این شهرها بیش از شهرهای کوچک باشد از این رو می‌بایست حداقلامکان در مکان‌یابی مراکز خدماتی حمایت از شهرهای کوچک و میانی استان در اولویت قرار گیرد. از سوی دیگر گردشگری و دیگر مراکز از جمله مهمترین فعالیت‌های خدماتی است که ماهیتاً سازگاری بیشتری با این گونه نقاط دارند. در انتها می‌توان گفت که سازمان فضایی استان گیلان تا حدود زیادی از ترتیب و توزیع نظام یافته واحدهای یک مجموعه در فضا، برای عملکردهای عموم مجموعه تشکیل شده است.

۶. منابع

۱. بهفروز، فاطمه، ۱۳۶۴، تکامل تئوری مکان مرکزی، مجله رشد آموزش جغرافیا، سال یکم، شماره ۳.
۲. بهفروز، فاطمه، ۱۳۷۸، فلسفه روش شناسی تحقیق علمی در جغرافیا، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجبی سناجردی، ۱۳۸۲، نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران.
۴. تولایی، سیمین، ۱۳۷۵، درآمدی بر مبانی جغرافیای اقتصادی، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۵. حسین‌زاده دلیر، کریم، ۱۳۸۳، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت، تهران.
۶. دولفوس، اولیویه، ۱۳۷۴، فضای جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا.
۷. رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۱، رابطه شهر و روستا (مطالعات شهری و منطقه‌ای)، نشر ماکان.
۸. زیاری، کرامت‌الله، ۱۳۸۰، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه یزد.
۹. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرکز ملی آمایش سرزمین، ۱۳۸۵، راهنمای انجام مطالعات برنامه‌آمایش استان.
۱۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۸۵، لایه‌های اطلاعاتی استان گیلان، واحد GIS.
۱۱. شبلینگ، ژاک، ۱۳۷۷، جغرافیا چیست؟، ترجمه دکتر سیروس سهامی، انتشارات محقق.
۱۲. شکویی، حسین، ۱۳۷۸، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی.
۱۳. قربانی، علی، ۱۳۸۳، تحلیل زنجیره‌های تأمین، فروش و محاسبه سن صنایع بزرگ گیلان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گیلان.
۱۴. مخدوم، مجید، ۱۳۷۴، شالوده آمایش سرزمین، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۱۶. مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۱۷. مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان گیلان.
۱۸. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان گیلان.

۱۹. معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان، ۱۳۸۶، آمارنامه استان گیلان (۱۳۸۵).
۲۰. معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان، ۱۳۸۶، سالنامه آماری استان گیلان (۱۳۸۵).
۲۱. مهدوی، رضا، ۱۳۸۴، چارچوب آمایش، جمعیت، محیط زیست و توسعه پایدار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان
۲۲. مهدوی، رضا و درویش‌رحیم‌آبادی، ابراهیم، ۱۳۸۵، مطالعات آمایش استان گیلان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان
۲۳. مهدوی، رضا، ۱۳۸۴، بررسی سازمان فضایی استان گیلان، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان
۲۴. مهدوی، رضا، ۱۳۸۵، مطالعات آمایش استان گیلان، تحلیل سازمان فضایی استان گیلان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان